

## جامعه‌شناسی زبان و مساله‌ی زبان رادیو<sup>۱</sup>

فرزان سجودی

دانشگاه هنر

این مقاله کوششی است در جهت مطالعه‌ی زبان رادیو بر اساس آموزه‌های جامعه‌شناسی زبان. از آن جا که رادیو و برنامه‌های آن یک کلیت همگن را تشکیل نمی‌دهد و ناهمگنی آن بی‌تردید ناشی از ناهمگنی جامعه‌ی مخاطبان رادیوست، دستاوردهای جامعه‌شناسی زبان، به خصوص در زمینه‌ی گونه‌های زبانی می‌تواند پرتو ژرفتری به شناخت ما از پدیده‌ای به نام زبان در رادیو بیندازد.

### گوناگونی‌های زبان

زبان در یک سطح، یعنی سطح لانگ (نظام زبان) یک کلیت همگن است، در غیر این صورت اعضای یک جامعه‌ی زبانی قادر به برقراری ارتباط با یکدیگر نبودند،

---

<sup>۱</sup> سجودی، فرزان، "جامعه‌شناسی زبان و مساله‌ی زبان رادیو" در زبان و رسانه، محمد پروری،

ویراستار، تحقیق و توسعه رادیو، تهران: ۱۳۸۴

اما در سطحی دیگر، یعنی سطح پارول، پدیده ای یکپارچه نیست و دارای تنوعات و گونه های بسیار متفاوتی است، از جمله گونه های فردی، محلی و اجتماعی متفاوت. به عبارت دیگر افراد و گروههای اجتماعی متفاوت بسته به متغیرهایی چون جنسیت، سن، تحصیلات، شغل، موقعیت اقتصادی-اجتماعی، علائق و سرگرمیها و غیره به گونه های متفاوت سخن می گویند. اما نباید فراموش کرد که تاثیر این متغیرها خطی و یک به یک نیست، بلکه هر عضو جامعه ی زبانی تحت تاثیر شبکه ای از این متغیرها قرار دارد، که به طور همزمان بر او و رفتار زبانی اش تاثیر می گذارند. به علاوه هر فرد نیز یک رفتار زبانی ثابت ندارد، و با توجه به عوامل فوق الذکر و موقعیتی که در آن قرار می گیرد، گونه های متفاوتی از زبان را به کار می گیرد. برای مثال یک فرد میانسال، تحصیلکرده، حقوقدان، بی شک گونه ی زبانی که در صحن دادگاه و در حین انجام وظیفه به عنوان وکیل مدافع به کار می گیرد، با گونه ی زبانی که در ملاقات خصوصی با موکلش به کار می گیرد و سرانجام با گونه ی زبانی که در خانه و در محیطهای خصوصی به کار می گیرد، متفاوت است. مشاهده می کنیم که در واقع به جای یک کلیت همگن و یکپارچه، در سطح پارول

با تنوعی از گونه های متفاوت زبانی روبرو هستیم که از شبکه ای از متغیرها متأثر است. حال اجازه بدهید نگاهی اجمالی بیندازیم به گونه های متفاوت زبانی و عوامل موثر در ایجاد این تفاوتها، با توجه به این که پیوسته باید به یاد داشت، که این گونه ها نیز هر یک به تنهایی یک کلیت همگن نیست و پیوسته وابسته به عوامل دیگر است، و صرفاً برای تسهیل امر مطالعه مجزای از یکدیگر تعریف و بررسی می شوند:

الف- گونه ی فردی: در تعریف گونه ی فردی (Idiolect) گفته شده است، گونه ی فردی نظام زبانی یا به عبارت دیگر شیوه ی خاص گفتار (و نوشتار) یک فرد معین است، در نظام کلی یک زبان بخصوص (جک ریچاردز و دیگران، 1985، ص 172). در این تعریف از زبان فردی نیز شاهد ذکر دو نظام هستیم. یکی نظام زبانی گونه ی فردی (که به حوزه ی پارول متعلق است) و دیگری نظام کلی یک زبان بخصوص که همان لانگ است. این همان تناقض نمایی است که در سطور فوق نیز به آن اشاره شد، و گفتیم که زبان از یک سو یک کلیت همگن است (در لانگ) و از سوی دیگر پدیده ای ناهمگن است (در سطح پارول). در هر حال،

گونه‌ی فردی مجموعه‌ی ویژگی‌های زبانی یک فرد بخصوص است که او را از دیگران متمایز می‌کند، و درست مانند اثر انگشت، منحصر به فرد است. مجموعه‌ی ویژگی‌های آوایی، واژگانی، و حتی دستوری، سبک گفتاری (یا نوشتاری) خاص فرد را به وجود می‌آورند، که مانند یک عامل متمایز کننده‌ی هویت، او را از دیگران متمایز می‌کند. در رادیو، بحث گونه‌ی فردی در سمت مخاطب محلی ندارد، اما در سمت گوینده عامل قابل توجهی است. اساساً تصمیم‌گیری در مورد این که فردی مناسب کار گویندگی هست یا نه، به عبارتی قضاوتی است درباره‌ی گونه‌ی فردی گفتاری او. اما از این مرحله که بگذریم، می‌بینیم که در واقع سبک‌های متفاوتِ گفتاریِ فردیِ گویندگان آنها را برای برنامه‌های متفاوتی مناسب می‌کند. این جاست که آن شبکه‌ی عوامل متفاوت در تعامل با گونه‌ی فردی گفتاریِ گوینده قرار می‌گیرند، و تصمیماتی گرفته می‌شود مثل این که این گوینده برای اجرای برنامه‌ی خانواده مناسب است و آن دیگری برای تفسیر ورزشی و غیره. به این موضوع باز خواهیم گشت.

ب- گونه ی سنی: به نظر می رسد عامل سن نیز از جمله عواملی است که در ایجاد گونه ی متفاوتی از زبان دخالت دارد، یعنی به نظر می رسد یکی از عواملی که در ایجاد تفاوت های زبانی در سطح پارول (در سطوح آوایی، عمدتاً واژگانی، و حتی دستوری) دخالت دارد، عامل سن باشد. بی تردید نوع واژگان و حتی ساخت های دستوری که جوانان به کار می برند با نوع واژگان و ساخت های دستوری که میانسالان و یا سالمندان به کار می برند متفاوت است. اگر مثلاً معلمی در سن سی سالگی به دانشجوی بیست ساله اش بگوید "دخترم، پیر شی، آن قلمت را به من بده" تعارض گونه ها آشکارا موقعیتی غیر قابل قبول یا حتی مضحک به وجود می آورد. با این وجود مجدداً باید بر این نکته تکیه کرد که عامل سنی یک عامل است که در ترکیب با عوامل دیگر، مثل تحصیلات و شغل و غیره عمل می کند و گونه های بسیار متفاوت و متنوع زبانی حاصل می شود. بدیهی است که در بررسی زبان رادیو نیز این بحث گونه ی سنی مطرح است و باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا دست کم یک شبکه ی رادیویی یعنی "رادیو جوان" با عنوانی که به لحاظ سنی متمایز کننده است مشخص شده است، و از طرف دیگر قطعاً در برخی برنامه های

شبکه های دیگر رادیویی نیز، چه به صراحت بیان شده باشد یا به طور ضمنی دریافت شود، مساله ی گروه سنی مخاطب مطرح است. برای مثال برنامه های کودک، صراحتاً تعلق به گروه سنی بخصوصی دارند و برخی برنامه های دیگر نیز به طور ضمنی ممکن است مخاطب میانسال یا بزرگسال را مورد نظر داشته باشند. البته بی تردید هستند برنامه هایی عامتر که به لحاظ سنی به اصطلاح خنثی محسوب می شوند. بنابراین، به نظر می رسد در کیفیت زبان برنامه، بخصوص برنامه هایی که نسبت به سن نشان دار هستند، این عامل باید مورد توجه نویسندگان و تهیه کنندگان برنامه های رادیویی قرار بگیرد. حال مشاهده می شود که این عامل سن، و مشخصه ی مخاطبان برنامه از نظر سنی، در ترکیب با عامل زبان فردی، محدوده ی مشخص تر و البته تنگ تری را برای انتخاب گوینده ی مناسب تحمیل می کند. به موضوع زبان رادیو و ارتباط آن با این عوامل باز خواهیم گشت.

پ- گونه ی شغلی و تحصیلی: عوامل شغلی و تحصیلی را، در عین آن که دو عامل مستقل از یکدیگرند (در هر حال بسیارند مشاغلی که اصطلاحات خاص خود را دارند و اشتغال به آنها نیازی به تحصیلات به معنی رسمی کلمه ندارد) به دلیل

ارتباط بسیار نزدیکی که با یکدیگر دارند در زیر یک عنوان مشترک آورده ایم. افرادی که عضو یک جامعه ی حرفه ای هستند یا تحصیلات مشترکی کرده اند، در هر حال دارای اشتراکاتی، بخصوص در سطح واژگانی هستند که گونه ی به اصطلاح تحصیلی، شغلی یا حرفه ای را به وجود می آورد. اصطلاح "زبان حرفه ای" (jargon) در زبان شناسی برای ارجاع به واژه ها و اصطلاحات خاص یک گروه صنفی یا حرفه ای به کار می رود و در تعریف آن گفته می شود، "[شیوه ی] گفتاری یا نوشتاری گروه بخصوصی از مردم که بر اساس فعالیت صنفی، حرفه ای و یا هر نوع تعلق گروهی دیگر مشخص می شوند، برای مثال، زبان حرفه ای پزشکان، یا زبان حرفه ای حقوقدانان" (ریچاردز و دیگران، 1985، ص 193). در مورد گونه های شغلی و تحصیلی و به طور کلی "زبان حرفه ای" و ارتباط آن با زبان رادیو نیز باید گفت که در هر حال بسیاری از برنامه های رادیویی که به حوزه های حرفه ای خاص مربوط می شوند و مخاطب کم و بیش خاصتری دارند و همچنین بیش از آنها برنامه هایی هستند که از متخصصین برای سخن گفتن برای مخاطب کم و بیش غیر متخصص دعوت می شود. در هر دو صورت توجه به

مساله ی "زبان حرفه ای" اهمیت دارد، بخصوص در حالت دوم که برنامه برای مخاطب عمومی تری تهیه می شود که الزاما با زبان حرفه ای کارشناس برنامه آشنا نیستند. هدف آن نیست که دستورالعملی در مورد این برنامه ها بدهیم، بلکه می خواهیم توجه آگاهانه را به گونه های حرفه ای، تحصیلی و صنفی زبان و نقشی که اطلاع از این گونه ها می تواند در زبان رادیو داشته باشد جلب کنیم.

ت- گونه ی جنسی: به نظر می رسد در این که جنسیت نیز یکی از عواملی است که کیفیات ویژه ای به گفتار (و همچنین نوشتار) می دهد، اتفاق نظر وجود دارد (البته در مورد علت اصلی تفاوت میان رفتار زبانی مردان و زنان نظریات مختلفی ابراز شده است که خارج از بحث این مقاله است؛ برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به مدرسی 1368، صص 70-167). گفتار زنان و مردان هم به لحاظ کیفیات آوایی، و همچنین واژگانی و شاید نحوی تفاوتی دارد، که هر یک را از دیگری متمایز می کند. مانند دیگر عوامل دخیل در پارول، کیفیت جنسی گفتار (یا نوشتار) نیز در ترکیب با دیگر کیفیاتی که برشمردیم (از جمله تحصیلات، شغل، سن و غیره) عمل می کند و در مجموع سبک گفتار را تعیین می کند.

ث- گونه ی جغرافیایی: عامل جغرافیایی نیز یکی از مهمترین عواملی است که در ایجاد تنوعات زبانی دخالت دارد. یعنی این که انسان کجا به دنیا آمده باشد و بزرگ شده باشد نیز در کیفیات زبانی او تاثیر دارد، و به اصطلاح گونه های متفاوت جغرافیایی یا لهجه های متفاوت یک زبان را به وجود می آورد. البته در مورد کاربرد اصطلاحات "زبان"، "لهجه" و "گویش" اختلاف نظر وجود دارد، و همه ی زبان شناسان الزاما این اصطلاحات را به یک معنی به کار نمی برند. مدرسی با ذکر این واقعیت، تعاریفی از این اصطلاحات به دست داده است که می تواند مبنای اجماع قرار گیرد. مدرسی می نویسد، "اصطلاح گویش (dialect) در مورد تفاوت های تلفظی، دستوری و واژگانی گونه های زبانی و اصطلاح لهجه (accent) در مورد تفاوت های تلفظی آنها به کار گرفته شده است. به این ترتیب هر زبان ممکن است دارای گویش های مختلف (گونه هایی که اختلافات واژگانی و ساختاری دارند) و نیز لهجه های گوناگون (گونه هایی که تنها تفاوت های تلفظی دارند) باشد (مدرسی 1368، ص 133). بدیهی است که ایران کشوری است که مردم در آن لهجه ها و گویش های متفاوت زبان فارسی و هم چنین زبان های دیگری را

به کار می‌برند. رادیو نمی‌تواند این واقعیت را نادیده بگیرد، و شبکه‌های محلی بی‌تردید باید به نیاز مخاطبان خود به شنیدن رادیویی به گویش یا زبان خاص خودشان احترام بگذارند. این ضرورت صرفاً ناشی از نوعی توجه به مسائل قومی نیست (که این نیز در جای خود اهمیت دارد) بلکه ناشی از این واقعیت است که تجربه‌ی زبانی با تجربه‌ی فرهنگی ارتباط تنگاتنگی دارد و لذا نوع ادراک و برقراری رابطه با برنامه‌هایی که به گویشها و زبانهای محلی پخش می‌شود، برای گویشوران آن گویشها و زبانها، تجربه‌ی فرهنگی آشنا و ژرفتری را به دنبال دارد، تا شنیدن برنامه به زبان یا گویشی دیگر (حتی اگر آن گویش یا زبان دیگر، زبان رسمی کشور باشد). بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به این واقعیت و با عنایت به مطالعاتی که در این زمینه در جامعه‌شناسی زبان و مردم‌شناسی صورت گرفته است، پخش دست‌کم بخشی از برنامه‌های شبکه‌های محلی به گویشها و زبانهای محلی ضرورتی است که کارآیی ارتباطی رادیو را بسط می‌دهد، و لذت مخاطب را در ارتباط با این دستگاه دوچندان می‌کند.

ج- موقعیت اجتماعی- اقتصادی: طبقه ی اجتماعی یا موقعیت اجتماعی- اقتصادی که وابسته به عواملی چون شغل، میزان درآمد، محل سکونت و غیره است نیز نقش مهمی در ایجاد تفاوت‌های زبانی و شکل دادن به گونه های متفاوت اجتماعی زبان بازی می کند. "طبقات اجتماعی گوناگون در هر جامعه، الگوهای رفتاری درون گروهی مشترک دارند. . . رفتار زبانی نیز به طور کلی بخشی از رفتار اجتماعی محسوب می شود" (مدرسی 1368، ص 149) و به همین دلیل شاهد تفاوت‌های زبانی بر اساس تفاوت‌های موجود در جایگاه اقتصادی- اجتماعی هستیم. تحقیقات جامعه شناسان زبان نشان داده است که "طبقات اجتماعی بالاتر نسبت به رفتار زبانی خود. . . حساسیت بیشتری دارند و به همین جهت گرایش بیشتری به استفاده از ویژگی‌های زبانی معتبر نشان می دهند، اما طبقات اجتماعی پایین تر حساسیت به مراتب کمتری نسبت به رفتار زبانی خود دارند و در نتیجه، ویژگی‌هایی که از اعتبار اجتماعی کمتری برخوردارند در گفتار آنها بیشتر ظاهر می شوند (مدرسی 1368، ص 151). بدیهی است که رادیو، بخصوص در برنامه هایی که برای گروه‌های خاص اجتماعی- اقتصادی، پخش می شود، مثل برنامه ی کارگر، برنامه ی کشاورز

و همچنین برخی برنامه های شبکه های محلی و شهرستانها می تواند نقش میانجی را بازی کند و با انتخاب گونه ای آشنا و ملموس برای مخاطبان خود، و البته نه با اتخاذ زبانی فاخر و ناآشنا، تاثیر به سزایی در شکل دهی به رفتار زبانی مخاطبان خود داشته باشد.

چ- سبک: قبلا نیز متذکر شدیم که هر یک از عوامل فوق الذکر از جمله سن، جنسیت، تحصیلات، شغل، طبقه ی اجتماعی و ... نه به شکل خطی و منفک از یکدیگر، بلکه به صورت شبکه ای پیچیده بر شکل گیری گفتار (یا نوشتار) تاثیر می گذارند. حال باید به این نکته نیز اشاره کنیم که گویشوری با خصوصیات کم و بیش ثابت فوق الذکر (البته در یک مقطع زمانی) در همان برش زمانی در موقعیتهای متفاوت ممکن است از گونه های متفاوتی در گفتار (یا نوشتار) استفاده کند که اصطلاحا سبک نامیده می شود و در روی یک پیوستار از رسمی ترین تا غیر رسمی ترین سبکها را در بر می گیرد. روشن است که برنامه سازان رادیو آگاهانه یا ناخودآگاه به مساله ی سبک در تناسب با مخاطب پیش بینی شده برای برنامه و موضوع برنامه و ساعت پخش آن و غیره توجه می کنند. بی تردید برنامه

ای با موضوع ادبی از سبک رسمی تری استفاده می کند تا برنامه ای با مضمون سرگرمی، یا برنامه ای صبحگاهی. حتی گاهی در طول یک برنامه نیز ممکن است بسته به مناسبت و موضوع سبکهای متفاوتی به کار گرفته شود. گوینده ی یک برنامه ی رادیویی ممکن است هنگام گفتگو با یک مقام مسئول دولتی یا یک کارشناس سبکی متفاوت از سبک گفتاری او در هنگام خطاب قرار دادن مخاطبان اتخاذ کند.

سرانجام لازم است به موضوع "زبان معیار" یا "گونه ی معیار" پردازیم. در تعریف زبان معیار گفته شده است، "آن گونه از زبان که دارای بالاترین جایگاه در جامعه یا در سطح ملی است و معمولاً بر گفتار یا نوشتار گویشوران بومی تحصیلکرده مبتنی است را "گونه ی معیار"، "زبان معیار" یا "لهجه ی معیار" می گویند. گونه ی معیار عموماً الف) در رسانه های خبری و در ادبیات استفاده می شود، ب) در فرهنگهای لغت و در کتابهای دستور توصیف می شود و پ) در مدارس و همچنین به خارجیانی که می خواهند آن زبان را به مثابه ی زبان دوم

بیاموزند تدریس می شود" (ریچاردز و دیگران 1985، ص 351؛ همچنین نگاه

کنید به هادسون 1980، صص 7-34).

### یک زبان معیار یا گونه های متفاوتی از یک زبان معیار

اجازه بدهید مباحث فوق را در ارتباط مشخصی که با زبان رادیو، و حتی مساله ی ویراستاری در رادیو پیدا می کنند، جمع بندی کنیم (هر چند در طی مطلب نیز هر جا که ارتباطی با زبان رادیو مطرح بوده است، اشاراتی شده است). همان طور که در ابتدای این مقاله گفته شد، زبان در سطح پارول پدیده ای یکپارچه نیست و دارای تنوعات و گونه های بسیاری است که تحت تاثیر عوامل اجتماعی مانند طبقه ی اجتماعی، جنسیت، سن، تحصیلات، شغل، قوم و غیره شکل گرفته اند، و گفتار (یا نوشتار) که متأثر از همه ی عوامل فوق الذکر است، خود در بافتهای متفاوت سبکهای متفاوتی می پذیرد از رسمی ترین گرفته تا غیر رسمی ترین سبکهای زبانی. اما رادیو دستگاهی است که رسانه ی آن شنیداری است یعنی متون رادیویی از گفتار، موسیقی و صداهای محیطی شکل گرفته اند، و در این میان بی تردید گفتار نقش بسیار مهمی بازی می کند. از طرفی مخاطب رادیو طیف گسترده ای از

اقشار متفاوت اجتماعی است زیرا رادیو دستگاهی است نسبتاً ارزان قیمت، در دسترس و سبک، و گوش دادن به آن تقریباً در شرایط متفاوت هنگام کار، رانندگی، در پیک نیک و غیره امکان پذیر است. پس رادیو مخاطب خاص ندارد. از سوی دیگر برنامه های رادیو با مضمونهای متفاوت و برای مخاطبان متفاوت و برای پاسخگویی به نیازهای ارتباطی، اطلاعاتی، تفریح و . . . متفاوت تهیه می شوند. گاه حتی شبکه ای با عنوانی خاص، دامنه ی مخاطبان خود را محدود می کند (مثلاً شبکه ی جوان)، یا دامنه ی موضوعی برنامه های خود را محدود می کند (مثلاً شبکه ی ورزش). گروههای در داخل هر شبکه فعالیت می کنند که حول موضوعات بخصوصی و برای گستره ی تعریف شده تری از مخاطبان برنامه سازی می کنند مثل گروه اجتماعی، گروه تفریح و سرگرمی، گروه هنر و ادبیات و غیره. حال با توجه به این طیف گسترده ی برنامه ها و مخاطبان و کارکردهای رادیو، چطور می توان از زبان کم و بیش یکپارچه ای با قواعد ویراستاری کم و بیش یکسانی سخن گفت. بدیهی است که هر کدام از این برنامه ها با توجه به طیف مخاطبانشان و با توجه به مضمونشان، ساعت پخششان و غیره زبان خاص خود را

می طلبد، و بدیهی است که اگر بنا باشد گفتارهای آن ویرایش شود، آن ویرایش باید بر اساس تصمیم گیری در مورد گونه‌ی زبانی و سبکی آن برنامه صورت بگیرد. یعنی خود امر ویرایش نیز به مفهومی متغیر یا قواعد متغیر تبدیل می شود، نه نظامی ثابت و تجویزی با قواعد ثابت و تغییر ناپذیر.

حال ممکن است این سوال پیش بیاید که آیا رادیو مجاز است برای مثال در برنامه ای سرگرم کننده که برای مخاطب جوان تهیه شده است از برخی اصطلاحات کاملاً غیر رسمی جوانان (و احتمالاً برخی دژواژه‌ها) استفاده بکند با این توجیه که زبان مفهومی نسبی است و متناسب با عوامل دیگر تغییر می کند، و یا در برنامه ای علمی، استفاده از "زبان حرفه ای" چنان باشد که حتی مخاطب تعریف شده ی آن برنامه نیز دچار مشکل ارتباطی با آن برنامه شود. در پاسخ باید گفت که به نظر می رسد توسل به مفهوم "بی نشانی" راه گشا باشد. یعنی وقتی برای مثال بحث گونه ی سنی جوانان در یک برنامه ی رادیویی از گروه سرگرمی و مسابقات مطرح است، بی نشان ترین گونه ی زبانی جوانان باید اتخاذ شود، به این ترتیب از طرفی به تنوع و تفاوت‌های زبانی متناسب با برنامه های رادیویی متفاوت و متنوع توجه شده است،

و از طرف دیگر "بی نشانی" نسبی که به نظر می رسد اصلی اساسی در زبان رادیوست، رعایت شده است. بنابراین بر طبق اصل بی نشانی نسبی زبان در رادیو، زبان هر برنامه متناسب با گونه های زبانی درخور آن برنامه، با توجه به مخاطب برنامه، در بی نشان ترین سطح گونه ی مورد نظر انتخاب می شود، و به همین دلیل می تواند گسترده ترین مخاطب بالقوه ی آن برنامه را نیز جذب کند. با این اوصاف، زبان انتخاب شده برای برنامه ای که مخاطب آن جوان است، و این یا آن موضوع یا هدف را دنبال می کند، با زبان برنامه ای که مخاطب آن خانمهای خانه دار هستند و این یا آن موضوع را دنبال می کند، قطعاً تفاوت خواهد داشت، اما در یکی بی نشان ترین زبان مناسب برای جوانان (که خود می شود سطحی میانی از نشاننداری یا بی نشانی) در چنان برنامه ای، و در دیگری بی نشان ترین زبان مناسب برای خانمهای خانه دار درخور برنامه ی مورد نظر انتخاب خواهد شد. به این ترتیب در عین حفظ تنوع زبانی، زبان در سطحی میانی از بی نشانی (یا نشاننداری) به کار گرفته خواهد شد، یا همان اصل "بی نشانی نسبی" رعایت خواهد شد، که شرط

دستیابی به گسترده ترین طیف مخاطب از مخاطب بالقوه ی تعریف شده برای هر برنامه است.

کتابنامه:

1- مدرسی، یحیی. (1368) درآمدی بر جامعه شناسی زبان. تهران: موسسه ی

مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- 2- Richards J. C.(1985) *Dictionary of Language, Teaching & Applied Linguistics*, London: Longman
- 3- Hudson R.A. (1980) *Sociolinguistics*, Cambridge: Cambridge University Press.